

مقاله علمی پژوهشی

بررسی تحلیلی کنوانسیون ورشکستگی اروپا به عنوان یک سند بین المللی و فرامرزی

محمد شجاعیان^۱، محمدرضا پاسبان^{۲*}، ستار زرکلام^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰)

Examining the European Bankruptcy Convention as an International and Transboundary Document

Mohammad Shojaeian¹, Mohammadreza Pasban^{2*}, Sattar Zarkalam³

1. Ph.D. Student in Private Law, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Private Law, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Private Law, Shahed University, Tehran, Iran

(Received: 10/Aug/2018 Accepted: 30/Jan/2022)

Abstract

Due to unique position of European countries in terms of both political and economics as well as following these two elements in other majors and its modern from which means (EEC) and converting to European union (EU) that has become a united country and making an effort in enacting a united comprehensive organization in the territories of each of the member of European countries and has passed plenty of agreements and regulations in different affairs, a united judiciary and nonjudiciary has been done and by preventing the possible conflicts guarantees the social and economical security of the European inhabitant and have gone so far inspite of failure in European legislation in France. They have been planning to make other reforms for repassing the above mentioned in conclusion as well as changing and reforming the law outlook in European, the familiarity with the structure of the new European union and fundamental factors and theirs passing must be prioritized which a vital essential action both the interest of economic and political necessity of Islamic republic of Iran need us to have good relationship with this part of the world and the first step is to get familiar with the new present day nature of this phenomenon. As for the measure taken in trade arena is the insolvency phenomenon and its impacts on public policy, creditors, debtor designers have tried to present new method for facing this matter that both from the international trade laws outlook and private international laws outlook one of great importance that we looked in to it alongside UNCITRAL model law about insolvency and due to the lack of legal regulations can open a horizon in our country legislation which will have good impacts in economic relations.

Keywords: Cross Border -Bankruptcy, European Bankruptcy Convention, Main and Secondary Lawsuits, Identification of the Demand and Powers of the Liquidation Manager.

چکیده

حوزه تجارت بین الملل دارای ویژگی‌هایی است که مشترک بین همه کشورها بوده و تلاش جوامع بشری راجع به آن حکایت از اهمیت خاص دارد. ورشکستگی یکی از مهم‌ترین مباحث در قلمرو ملی و بین‌المللی (فرامرزی) بوده، ولیکن در بعد فرامرزی اقدام جدی و مؤثر از سوی دولت‌ها از جمله کشور ما به عمل نیامده، اما اتحادیه اروپا با تدوین کنوانسیون ورشکستگی ۱۹۹۵، اصول بنیادین ورشکستگی فرامرزی را ارائه داده که با لحاظ قانون نمونه ورشکستگی آنسیترال، الگوی خوبی را برای اصلاح قانون تجارت در قلمرو تعارض قوانین در ایران به وجود می‌آورد. از جمله آن تعیین معیار دادگاه و قانون صالح و نیز معتبر بودن احکام صادره که از آن تعبیر به شناسایی آراء شده، است. در این تحقیق در واقع یک مجموعه قواعد حل تعارض مدون پیشنهاد و بررسی می‌گردد که می‌تواند مؤثر در اصلاح نظام حقوقی کشورمان در حوزه حقوق بین‌المللی خصوصی و ارتقای آن باشد.

کلیدواژه‌ها: ورشکستگی فرامرزی، کنوانسیون ورشکستگی اروپا، دعاوی اصلی و ثانوی، شناسایی دعاوی و اختیارات مدیر تصفیه.

*Corresponding Author: Mohammadreza Pasban

E-mail: Mpasban@atu.ac.ir

مقدمه

بحث ورشکستگی فرامرزی^۱ به‌رغم سابقه طولانی آن میان اصطلاحات حقوقی متأسفانه در داخل نظام‌های حقوقی وارد نشده، در حالی که یکی از موضوعات مهم در روابط تجارت بین‌المللی است. در ایران با بررسی قوانین مدنی، تجارت و حتی اجرای احکام مدنی و درباره ورشکستگی و مسایل مرتبط با آن، قواعد حل تعارض پیش بینی نشده و با وجود اینکه در جلد دوم قانون مدنی و در مواد ۹۶۲ به بعد، راجع به اهلیت، ازدواج و تعهدات و اسناد و دعاوی و غیره، قانونگذار احکامی را وضع نموده، اما درباره ورشکستگی فرامرزی (بین‌المللی) حکمی بیان نداشته و تنها یک حکم عام تحت ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در سال ۱۳۵۶ تصویب شده که اجرای احکام خارجی را منوط به شرایطی از جمله وجود رابطه متقابل در اجرای احکام، مرتبط نبودن با نظم عمومی و اموال غیرمنقول و لازم الاجرا بودن و نموده که به نظر می‌رسد حکم ورشکستگی خارجی مفهوماً مخالف با ماده فوق باشد و از سویی مبحث ورشکستگی با عنایت به مواد ۴۱۲ قانون تجارت به بعد جزء مواد آمره و مرتبط با نظم عمومی در حوزه تجارت است. بنابراین، امکان طرح اجرای حکم ورشکستگی صادره از محاکم خارجی امکان‌پذیر نیست.

اما در اتحادیه اروپا سابقاً در جامعه اقتصادی اروپا تلاش -هایی از سال ۱۹۶۰ به بعد صورت گرفت (Felcher, Ian, 1999: 60) که ابتدا کارشناسان شش کشور فرانسه، ایتالیا، بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان و هلند یک متنی را به عنوان طرح مقدماتی کنوانسیون تهیه نمودند که مشهور به متن ۱۹۷۰ است. بعدها سه کشور به آن ملحق شده و سپس مدتی بعد به ۱۲ کشور افزایش یافت، که همزمان با آن در ۱۹۸۹ تصمیم به بررسی مجدد آن طرح پس از توقف آن پروژه شدند که یک هیئتی زیر نظر دکتر منفرد بالز آلمانی‌الاصول تشکیل شد. (Ibid: 214)

این تحقیقات منتهی به کنوانسیون استانبول ۱۹۹۰ با عنوان کنوانسیون ورشکستگی^۲ شد که با توجه به تغییر جامعه اروپا به اتحادیه اروپا و نیز افزایش اعضاء به ۱۵ کشور تصمیم بر این گرفته شد که وفق ماده ۲۲۰ عهدنامه رم بایستی تمامی ۱۵ کشور کنوانسیون اصلاح شده را تحت عنوان کنوانسیون

دعاوی ورشکستگی^۳ ۱۹۹۵ را امضا می‌کردند که چهارده کشور یعنی اتریش، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، لوکزامبورگ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، بلژیک، ایرلند و هلند امضاء نمودند، ولی انگلیس به علت قضیه جنون گاوی از امضای آن خودداری کرد که ضربه محکمی به این تلاش دسته جمعی وارد آورد که موجب اعتراضات فراوان کشورهای اروپایی شد.

بخش اول: کلیات

در این بخش به مفهوم ورشکستگی بین‌المللی و ویژگی‌های آن و نیز سابقه تاریخی و اصولی که بر آن حاکم است، پرداخته و توضیحاتی ارائه خواهد شد.

۱. ورشکستگی بین‌المللی

در این فصل به مفهوم این اصطلاح اشاره و نیز ویژگی‌های آن را شرح خواهیم داد.

۱-۱. مفهوم

ورشکستگی یکی از پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی بوده که در طول دوران حیات بشری مطرح و در نظام‌های حقوقی وارد شده که در نتیجهٔ بدشانسی، بدحسابی، سوء مدیریت و ... یا مجموعه‌ای از اینها به وجود می‌آید. این وقایع باعث فراتر رفتن جنبه منفی دارایی و غلبه یافتن آن بر جنبه مثبت دارایی شده و ضرر ایجاد شده از سود قابل پیش‌بینی بیشتر می‌شود که وضعیتی به نام ورشکستگی^۴ به وجود می‌آید که امروزه آن را به نام ورشکستگی ترازنامه‌ای یا مطلق^۵ (Black Law: 118) توصیف کرده‌اند. در حقوق نوین بدهکار اعم از شخص حقیقی یا حقوقی بوده و اصول ورشکستگی بر هر دو حاکم است.

اگر همه عناصر ورشکستگی در قلمرو یک کشور تحقق یابد، بی شک قانون آن سرزمین حاکم خواهد بود که همان قاعده^۶ s می‌باشد (Virgos, Miguel: 89). اما اگر عملیات تجاری از سرزمینی فراتر رفته و حداقل یک عنصر خارجی وارد گردد و جنبه بین‌المللی پیدا کند، وضعیت فرق خواهد کرد. به عنوان مثال یک بازرگانی یا شرکت تجاری در

3. The insolvency convention

4. Insolvency

5. Balance-sheet Insolvency

6. Lex Concorsu

1. The Cross-Border Insolvency

2. The Bankruptcy convention

نماید که متفاوت با قانون ورشکستگی کشور متبوع متوقف است. در مورد تعهدات متوقف نیز که ممکن است تحت حاکمیت یک قانون خارجی درآید و یا مشمول قانون دیگر خارجی باشد که به اجرا درمی‌آید، همین وضعیت را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه ما مواجه با طرح دعوا حداقل در دو کشور بوده که هر کدام شرایط اقامه دعوا و رسیدگی و صدور و اجرای حکم خاص نظام خود را خواهد داشت. اصطلاحاً در این قضایا مسئله فرامرزی مطرح می‌شود. در این حالت اصول حقوق بین‌المللی خصوصی مطرح که با ارائه قواعد حل تعارض خود سعی در حل و فصل مشکلات می‌نماید:

اول: کدام دادگاه‌ها صلاحیت دارند که می‌توانند به دعوی ورشکستگی اقامه شده، رسیدگی نمایند؟

دوم: قواعد حقوقی کدام نظام حقوقی اجرا می‌شود؟ سوم: اثرات بین‌المللی بر دعوی مطروحه در یک دادگاه چیست؟

البته به دلیل ارتباط تنگاتنگ قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی با نظم عمومی کشور و اینکه جزء مهم ساختار نظم حقوقی آن می‌باشد، واضح است که بین این قواعد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد و از طرفی به دلیل اهمیت روزافزون پدیده ورشکستگی و تأثیر آن در تجارت بین‌الملل از مدت‌ها پیش سعی در تهیه چارچوبی جهت یکسان نمودن قواعد چگونگی رسیدگی به اختلافات و دعوی مطروحه مشترک بین نظام‌های حقوقی شده که تعبیر به کنوانسیون یا عهدنامه دو یا چند جانبه شده که در بعضی زمینه‌ها موفق بوده است. آنچه ما به دنبال آن هستیم، صحبت از کنوانسیون ورشکستگی محصول اراده کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده که وضعیت آن را بررسی می‌کنیم.

۲. سابقه تاریخی و اصول حاکم بر ورشکستگی

بین‌المللی

ابتدا به تاریخچه رفتار دولت‌ها پرداخته و سپس به نظریات و اصولی که تدوین و پیشنهاد شده، توجه خواهد شد.

۱-۲. سابقه تاریخی

با وجود اینکه بین نظام‌های حقوقی موجود در کشورهای جهان در مورد ورشکستگی تفاوت‌هایی وجود دارد، ولی مشترکاتی هم وجود دارد از جمله اصل نفع متوقف که جای خود را به اصل

بیش از یک کشور فعالیت داشته باشد، نظیر شرکت‌های چند ملیتی، اصول حقوق بین‌المللی خصوصی یا تعارض قوانین به ما می‌گوید که حداقل دو قانون، حاکم خواهد بود و نیز لازم به ذکر است که اصل سرعت جزء مهم‌ترین اصول تجاری بوده که می‌بایستی براساس مفهوم آن، کلیه امور تجاری را سریع و منطقی حل و فصل کرد.

امروزه علت طرح دعوی ورشکستگی، عدم توانایی متوقف در اداره اموال و نیز کنترل تسویه بدهی‌هایش بوده که مضر به حقوق طلبکاران بوده به این علت دولت‌ها به ورشکستگی به عنوان اقدام حقوقی آغازین جهت نظارت بر وضعیت ناسامان متوقف نگاه کرده که از تحلیل اعتماد عمومی جلوگیری می‌کند.

به نظر می‌رسد که بین نظام‌های حقوقی جهان در امر ورشکستگی، اختلاف فراوانی وجود دارد و علت آن است که این موضوع ارتباط تام با نظم عمومی کشورها دارد و در موارد زیر رویه واحدی وجود ندارد:

ارگان صلاحیت‌دار در امر ورشکستگی و نیز مدیریت دارایی او و حدود اختیارات آن - قلمرو دادگاه رسیدگی کننده - نقش هیأت‌گرماء و اختیارات آن - سلسله دعوی و مطالبات گرماء اعم از ممتاز یا با حق ممتاز و بازسازی (Ian Fletcher, 1999: 224) نکته مهم آن است که نتیجه تعارض صلاحیت نسبت به موضوع ورشکستگی، عدم اطمینان، هزینه تأخیر و ناکارآمدی را در برخواهد داشت. به هر حال به دلیل ارتباط تام ورشکستگی با نظم عمومی، دولت‌ها در آن دخالت کرده و براساس مصالح خود تصمیم می‌گیرند.

۲-۱. ویژگی‌ها

در صحنه بین‌الملل، همان‌طور که در کتب حقوق بین‌الملل خصوصی ذکر شده، یک عامل به تنهایی یا بیشتر به صورت مرکب در ورشکستگی توان بروز بعد فرامرزی^۱ در مورد ورشکستگی را دارد. احتمال دارد متوقف با یک یا چند طلبکار که هر کدام تبعه کشورهای گوناگون هستند، در ارتباط باشد یا ممکن است وی، اموال یا منافع در یک یا چند کشور داشته باشد که مسلم است هر کدام از کشورها دارای نظام حقوقی خاص خود و صلاحیت ویژه آن بوده و طبعاً هر یک از کشورها قانون ورشکستگی منحصر به فرد خود را اجراء و اعمال می‌-

1. a cross-border case

ا. و.) خود گرفته و به نوعی حقوق خود را در برابر وضعیت احتمالی متوقف در آینده حفظ کرده که مشهور به طلبکار با وثیقه یا دارای تضمین کامل بوده که قادر است خارج از جریان جمعی تصفیه اموال بلامعارض، اقامه نموده و درصدد وصول حقوق خود برآید. این پدیده که مبتنی بر بنا نهادن انتظارات طلبکاران بر ایجاد ترتیباتی به منظور احقاق حقوق خود بوده، یکی از عناصر اساسی سیستم اعتبار در هر دو قلمر ملی و بین‌المللی است.

اگر در وضعیتی چنین اعتماد و اعتباری از بین برود، تأثیر بسیار بدی در روابط تجاری خواهد گذاشت و شاید اصول و قواعد حقوق بین‌المللی خصوصی نتواند به خوبی نقش خود را در جهت بهبود اعتماد عمومی ایفاء نماید.

کنوانسیون ورشکستگی اروپا

در این بخش قصد داریم به تلاش کشورهای اروپایی در چگونگی تدوین سندی واحد جهت حل و فصل مشکلات مربوط به ورشکستگی صحبت کرده و به قلمرو دادگاه صلاحیتدار، شناسایی، دعاوی اصلی و ثانوی و قانون حاکم و غیره و نیز مقایسه آن با حقوق ایران اشاره گردد.

۱. تاریخچه

پس از دو جنگ جهانی و توسعه روزافزون قدرت ایالات متحده آمریکا، اروپاییان درصدد ایجاد اتحادیه اروپا بودند، با امضای عهدنامه و تأسیس جامعه اقتصادی اروپا^۵ در رم به تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۵۷ که مشهور به عهدنامه رم است، گام بلندی در این خصوص برداشتند که در بند چهار ماده ۲۲۰ آن آمده: «کشورها باید کنوانسیون‌هایی در مورد ایجاد تسهیلات مرتبط با منافع ملت‌هایشان به تصویب برسانند که راجع به تشکیلات و راهکارهای مناسب مربوط به شناسایی متقابل و اجرای آرای دادگاه‌ها یا دیوان و آرای دادرسی باشد». بعضی کشورهای اروپایی در راستای عهدنامه رم تلاش‌هایی به عمل آورده که از سال ۱۹۶۰ آغاز گردید. (Fletcher, Ian, 1999: 13).

در ابتدا کارشناسان شش کشور فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، آلمان، فنلاند و بلژیک یک متنی را تهیه که مشهور به متن ۱۹۷۰ است که پس از افزایش کشورها به ۹ کشور، اصلاحاتی صورت گرفت و تحت عنوان کنوانسیون به کشورهای اروپایی

نفع طلبکاران^۱ داده که به صورت مقبولیت جهانی درآمده است. گرچه اوضاع و احوال و روش اجرای آن می‌تواند متفاوت باشد. این احتمال وجود دارد که بصورت اصطلاح اصل جمعی^۲ درآمده باشد و منتهی به این شود که با اعلام ورشکستگی تاجری، پرونده هیأت غرماء تشکیل می‌گردد که بیش از یک نفر طلبکار، حقوقی علیه متوقف داشته و از سویی منابع به جهت فزونی جنبه منفی دارایی بر جنبه مثبت دارایی محدود باشد.

آنچه باعث می‌شود که همه طلبکاران به‌رغم روابط اختصاصی و مجزا از هم که با متوقف دارند، داخل در یک کل و نهاد مجموعه‌ای قرار می‌گیرند، تصفیه و توزیع اموال باقیمانده از دارایی متوقف است؛ یعنی وقتی دادگاه مبادرت به صدور رأی ورشکستگی می‌کند، وضعیت هر یک از طلبکاران تغییر یافته و داخل در مفهوم جمعی^۳ شده که خود مبین اصل تساوی در توزیع^۴ است. بدین معنا هر یک از غرمای یک طبقه به نسب سهم طلبش به مجموع کل طلب آن طبقه سهم گرمایی خود را خواهد برد و ملاک دسترسی هر یک از طلبکاران به بخشی از طلب خود می‌باشد. (در ایران، م ۵۲۲ ق. ت.) این معیار در قاعده لاتین *Par estcondicio omnium creditorum* توصیف شده است.

در مقررات مربوط به ورشکستگی دو روش عمده رسیدگی به ادعای طلبکاران وجود دارد. یکی جمع‌آوری و تعیین میزان دارایی باقیمانده متوقف در جریان تصفیه و توزیع و تقسیم آن به نسب طلب هر کدام، طلبکار به کل طلب بین هر یک از طلبکاران براساس اصل جمعی است. دوم آنکه می‌تواند جایگزین حالت فوق تکرار بگیرد، از طریق ترتیبات یا توافقات منعقد بین متوقف و ارگان عمومی طلبکاران یا هیأت غرماء است که در قانون تجارت ایران تعبیر به قرارداد ارفاقی می‌شود (ماده ۴۸۰ ق. ت.) که مطابق اصول حقوقی برای طرفین الزام‌آور خواهد بود که به واسطه حد نصاب معینی از اکثریت طلبکاران وضعیتی جدای از برنامه توزیع را رقم می‌زند.

البته در این میان نباید از حقوق عده‌ای از طلبکاران که به نوعی قبل از آغاز دعوای ورشکستگی حقوق خود را تضمین نموده، غافل شد. اشخاصی بنا به دلایلی بعضی از اموال متوقف را به طرق قانونی در رهن یا وثیقه (در ایران، ماده ۵۸ ق. ا. ت.

1. pro-debtor to pro-creditor
2. the principle of collectivity
3. concept of collectivity
4. paripassu principle of distribution

5. Treaty Establishing the European Economic Community

است. در فصل دوم مطالب مهمی راجع به شناسایی دعوی ورشکستگی و آثار آن مطرح و حاوی نکات جالبی درباره اختیارات مدیر تصفیه می‌باشد.

در فصل بعد، اهمیت دعوی ثانوی متذکر شده و علاوه بر بیان آثار آن، به نحوه همکاری مدیران تصفیه دعوی متعدد اشاره شده که شامل مواد ۲۷ الی ۳۹ می‌شود.

در فصل چهارم راجع به حقوق طلبکاران و چگونگی اعمال آن از موضوعاتی است که مورد توجه طراحان کنوانسیون بوده و در نهایت صلاحیت دادگاه اروپایی جهت ایجاد قواعد تفسیرسازی مربوط به کنوانسیون و ضمایم آن در مواد ۴۲ به بعد ذکر شده است.

اما خصوصیات آن عبارت است از:

همه کشورهای عضو باید کنوانسیون را تصویب کنند. -
 اختیار تفسیر و قاعده سازی به دادگاه اروپایی واگذار شده است. -
 هیچ رزروی وجود ندارد، جز اعطای اختیاراتی است که به دادگاه اروپایی داده شده است. -
 این اختیارات از متن خود کنوانسیون و نه پروتکل الحاقی کسب شده است. -

در نتیجه این کنوانسیون بدون توجه به قلمرو کنوانسیون بروکسل اعمال می‌شود و نه فقط شامل قواعد صلاحیت بین-المللی و شناسایی آرای محاکم می‌باشد، بلکه حاوی قواعد حل تعارض مربوط به قانون قابل اعمال در خصوص دعوی و آثار آن است. اما می‌بایستی دو نکته مهم مورد توجه قرار گیرد: یکی خصیصه بین‌المللی قاعده و دیگری اصل وحدت یعنی در تفسیر کنوانسیون باید به خود کنوانسیون توجه داشت و به این مفهوم نیست که جایگزین مفاهیم مشابه در سیستم داخلی (ملی) می‌شود و بایستی جداگانه تفسیر شود و تضمین برابر حقوق و تعهدات ناشی از کنوانسیون برای کشورهای متعاقد و نیز اشخاص درگیر صرف نظر از کشور متعاهدی که در آن مقیم هستند، مستلزم وحدت تفسیر است که برای دستیابی به این هدف، کنوانسیون اختیارات تفسیر را به دادگاه اروپایی اعطا می‌کند.

اصلی که باید به آن توجه داشت، حاکمیت کنوانسیون بر تعارض داخلی جامعه اروپایی است، ولیکن دو نکته وجود دارد: الف) کنوانسیون بر همه تعارض درون جامعه حاکم نیست، بلکه شامل دعوی است که مرکز منافع اصلی متوقف^۶ در

پیشنهاد شد که بعضی از کشورها از تصویب آن خودداری نموده که باعث توقف این پروژه شد. شورای وزیران در می ۱۹۸۹ که به ۱۲ کشور یعنی علاوه بر شش کشور قبلی، اتریش، دانمارک، سوئد، یونان، پرتغال و اسپانیا افزایش یافته بود، تصمیم به آغاز مجدد این طرح گرفت، که هیأتی زیر نظر دکتر منفرد بالز^۱ جهت بررسی و مطالعه بر روی کنوانسیون ورشکستگی تشکیل یافت.

پس از تحقیقات فراوان و ارائه پیشنهادات متعدد، حاصل کار به صورت کنوانسیون ۱۹۹۰ استانبول^۲ درآمد. در این مرحله مهم‌ترین اتفاقی که افتاد، این بود که کشورها به ۱۵ کشور افزایش یافته بود و جامعه اقتصادی به اتحادیه اروپا به تبعیت از عهدنامه ماستریخت تغییر کرده بود و در نتیجه کنوانسیون دعوی ورشکستگی اتحادیه اروپا^۳ در سال ۱۹۹۵ تدوین شد. -
 حسب ماده ۲۲۰ عهدنامه رم باید تمام ۱۵ کشور اروپایی آن را امضا می‌کردند، ولی علاوه بر ۱۲ کشور سابق الذکر در فاصله شش ماه از ۲۳ نوامبر ۱۹۹۵ تا ۲۳ می ۱۹۹۶ فقط دو کشور ایرلند و هلند آن را امضا کردند و از اقدام انگلیس خبری نبود -
 که در ماجرای جنون گاوی، انگلیس به اقدام تلافی‌جویانه زد و با عدم امضای کنوانسیون ضربه سنگینی به آن تلاش طاقت فرسا و اراده جمعی کشورهای اروپایی زد که اعتراضات شدیدی را به دنبال داشت. (Virgus, Margual, 2004: 89).

۲. محتوای کنوانسیون

این کنوانسیون مشتمل بر ۵۵ ماده و ۶ فصل است که دارای سه ضمیمه می‌باشد. در کنوانسیون، سیستم مستقیم^۴ یا مضاعف^۵ پیش‌بینی شده که نتیجه آن اعمال یک مجموعه واحد از قواعد صلاحیتی بوده بر همه کشورهای متعاقد است و لذا کنوانسیون دارای ماهیت الزام‌آور بوده و بدون استناد اصحاب دعوی محاکم بایستی به آن عمل نمایند. کنوانسیون شامل یک مقدمه راجع به قلمرو و خصوصیات آن است. قواعد مربوط به صلاحیت دادگاه‌ها و نیز تعیین قانون قابل اجرا در مواد ۲ و ۳ بیان و پس از آن اشاره به استثناءهای وارده بر قواعد فوق‌الاشاره می‌نماید که از ماده ۴ به بعد آورده شده

1. Dr. MonfaredBalz
2. Council of Europe: Convention on International Aspects of Bankruptcy
3. European Union Convention on Insolvency Proceedings
4. Direct
5. Double

6. Center of Main Interesse

ضمیمه (ج) حاوی لیست اشخاص یا ارگان‌هایی است که به عنوان مدیر تصفیه از سوی کشورها معرفی شده و بدین ترتیب شک و تردید را از بین می‌برد (ر.ک.م. ۲ (ج)).

۳. دعاوی دارای ماهیت بین‌المللی

در این بخش به صلاحیت بین‌المللی کنوانسیون که در ماده ۳ تدوین شده اشاره می‌شود و در ذیل به دو دعوی اصلی و ثانوی تقسیم می‌شود.

۱-۳. دعاوی اصلی^۱

ماده ۳ کنوانسیون به صلاحیت بین‌المللی اشاره کرده که دادگاه کشور متعاهدی که مشمول آن است، بتواند به دعاوی ورشکستگی رسیدگی کند. در ماده ۳ (۱) امکان اقامه و رسیدگی به دعاوی ورشکستگی اصلی در کشورهای متعاهدی فراهم شده که متوقف در آنجا مرکز منافع اصلی^۲ دارد و این دادگاه صلاحیت جهانی دارد؛ یعنی این رسیدگی شامل تمامی اموال متوقف و نیز طلبکاران در هر یک از کشورهای متعاهد دیگر است و اثرات فرامرزی دارد و در واقع اصل وحدت^۳ قابل اعمال بر آن دعاوی است و اگر مرکز منافع اصلی در هیچ یک از کشورهای متعاهد نباشد، هیچ‌کدام صلاحیت رسیدگی ندارند و موضوع به دادگاه داخلی کشورها واگذار می‌شود که با توجه به قانون ملی خود اقدام نمایند.

مفهوم مرکز منافع اصلی (COMI) باید به عنوان مکانی تفسیر شود که متوقف منافعش را بر مبنای نظم و عرف، اداره و تصدی می‌کند که توسط اشخاص ثالث قابل تعیین و فلسفه این اقدام روشن است؛ زیرا مهم است صلاحیت بین‌المللی بر مبنای مکانی گذاشته شود، که برای طلبکاران بالقوه متوقف معلوم باشد. با استعمال اصطلاح «منافع» قصد این بوده که نه فقط فعالیت‌های تجاری، صنعتی یا حرفه‌ای، بلکه کلیه فعالیت‌های اقتصادی و فعالیت‌های اشخاص معمولی نظیر مصرف کننده نیز شامل گردد. البته در خصوص شرکت یا شخص حقوقی مکان دفتر ثبت شده در صورت عدم دلیل معارض به عنوان مرکز منافع اصلی فرض می‌شود. بنابراین، این به دادگاه داخلی واگذار می‌شود که چگونه این اماره قابل اثبات یا رد کردن است که این موضوع بسیار مهم و حیاتی است؛ زیرا

کشورهای عضو استقرار داشته باشد. (ب) در حالتی که مرکز منافع اصلی متوقف در کشور متعاهد باشد و کنوانسیون قابل اعمال باشد، مقررات آن محدود به روابط با کشورهای عضو دیگر است.

۱-۲. قلمرو کنوانسیون

در ماده ۱ (۱) اشاره به قلمرو شده که اشعار می‌دارد «نسبت به مجموعه دعاوی ورشکستگی جمعی که متضمن عدم مداخله کلی یا جزیی متوقف و نصب مدیر تصفیه است، اعمال می‌گردد.» کنوانسیون هیچ تعریفی از ورشکستگی ارائه نمی‌دهد و آن را به کشورهای عضو واگذار کرده که بر مبنای قوانین ملی خود اقدام نمایند؛ زیرا کشورها تعریف واحدی از آن ندارند و تفاوت بین تاجر و غیرتاجر و نیز مفهوم توقف و دیگر اختلافات، مانع از دستیابی به وحدت نظر است.

در ماده یک چهار شرط ضروری دانسته شده است، که عبارت‌اند از:

الف) دعاوی می‌بایستی جمعی باشد. یعنی همه طلبکاران مطروحه می‌توانند از طریق دعاوی ورشکستگی حقشان را اخذ نمایند و اقامه دعاوی انفرادی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

ب) دعاوی ورشکستگی می‌بایستی مبتنی بر ورشکستگی متوقف و نه براساس دلایل دیگر اقامه شود.

ج) دعاوی می‌بایستی متضمن عدم مداخله متوقف از تمام یا بخشی از دارایی باشد.

د) دعاوی می‌بایستی متضمن نصب مدیر تصفیه باشد. در ادامه و در ماده ۱ (۲) مؤسسات اعتباری و سرمایه‌گذاری و نهادهای بیمه‌ای را از شمول کنوانسیون مستثنی دانسته و فلسفه آن این است که این نهادها دارای ویژگی‌های خاص بوده که عموماً قوانین ملی آنها را مشمول مقررات خاص نموده که شامل تشریفات و آیین دادرسی ویژه‌ای در خصوص ورشکستگی آنهاست و ارتباط تنگاتنگ آنها با نظم عمومی کشورها علت وضع چنین استثنائاتی است.

این کنوانسیون دارای ضمایم الف، ب و ج بوده که ضمیمه الف حاوی لیستی از دعاوی ورشکستگی موجود در قوانین کشورهای عضو اروپایی است. به این معنا دعاوی لیست شده در این ضمیمه به استناد کنوانسیون قابلیت طرح و اقامه را دارد. به عنوان مثال در انگلیس ورشکستگی (Bankruptcy) (ر.ک. م ۲(الف)). ضمیمه (ب) شامل دعاوی نام برده شده از سوی کشورهای عضو است که در قالب دعاوی انحلال در ماده ۲ (ب) تعریف شده که متضمن فروش اموال متوقف می‌باشد.

1. Main Proceedings

2. Center of Main Interests= COMI

3. The Principle of Unity

به مأمور اجرا^۴ و بدون نشر آگهی انجام می‌شود. البته اجرای آراء نیاز به کنترل محدود توسط دادگاه‌های ملی دارد که از طریق مأمور اجرا صورت می‌گیرد. اگر شرایط مقرر کنوانسیون رعایت گردد، دادگاه‌های عمومی ملزم به صدور آن است.

همچنین کنوانسیون اقامه دعاوی ثانوی را قبل و بعد از دعاوی اصلی را پذیرفته است. در حالت اول آن را مستقل می‌نامند و در حالت دوم داخلی گویند. در دعاوی ثانوی، طلبکاران اعم از محلی و غیر آن حق مشارکت در آن را دارند و می‌توانند مستقیماً یا به توسط مدیر تصفیه طلب خود را اظهار نمایند که این موضوع ناشی از اصل تساوی حقوق طلبکاران از طریق درون جامعه اروپا است؛ زیرا جامعه به مثابه یک بازار داخلی بوده و هیچ محدودیتی نسبت به طلبکاران برای مشارکت در دعاوی محلی وجود ندارد که حتماً طلبکار مقیم آن کشور باشد. همان‌طور که گفته شد اثر دعاوی ثانوی اعم از مستقل یا محلی محدود به وجود اموالی است که در قلمرو کشوری استقرار دارد که دادگاه آن صالح به رسیدگی به این گونه دعاوی می‌باشد و لازم به ذکر است که دعاوی داخلی مستقل باید یکی از عناوین مندرج در ضمیمه (الف) یا (ب) کنوانسیون باشد. به عنوان مثال برای کشور انگلیس دعاوی انحلال یا بازسازی^۵ است.

کاربرد دعاوی داخلی یا محلی حمایت از منافع محلی است. طلبکاران بومی (محلی) می‌توانند تقاضای اقامه دعاوی داخلی در جهت منافع خودشان مطابق مقررات کنوانسیون نمایند تا به نوعی از تأثیرات قانون کشور متعهد دیگر جلوگیری نماید. یعنی اگر مطابق ماده ۳ دادگاه کشور متعهدی صلاحیت اصلی داشت، آنها می‌توانند تحت عنوان دعاوی داخلی یا محلی^۶ اقامه دعوی نمایند تا از وضعیت حقوقی خودشان دفاع و حفظ کنند.

علاوه بر مزیت قبل نسبت به دعاوی داخلی دومین فایده- ای که دارد، ایفای نقش دعاوی کمکی^۷ برای دعاوی اصلی است؛ یعنی مدیر تصفیه دعاوی اصلی می‌تواند درخواست دعاوی ثانوی را زمانی که تصفیه داری ضرورت داشته باشد، بنماید که این در وضعیتی که داری متوقف بسیار گسترده و پیچیده باشد و آن را به عنوان مجموعه داری واحد فرض کرد، بسیار مفید به نظر می‌رسد؛ زیرا با وجود تفاوت‌های سیستم‌های

احتمال دارد که طلبکارانی علاقه‌مند به اثبات دفتر ثبت شده در کشوری باشند که دادگاه آن کشور صالح باشند تا از مزایای اجرای آن قانون بهره‌مند شوند، در حالی که COMI در کشور دیگری استقرار دارد. لازم به ذکر این نکته باید بود که احتمال تعارض صلاحیتی مثبت وجود دارد، ولیکن کنوانسیون هیچ مقرره‌ای را در این خصوص پیش‌بینی نکرده که از نقایص این سند بین‌المللی است. البته احتمال تعارض منفی هم دور از ذهن نیست.

۲-۳. دعاوی ثانویه^۱

به استناد ماده ۳ (۲) دعاوی ثانوی تنها در شرایطی اقامه می‌شود که مرکز منافع اصلی متوقف در قلمرو یکی از کشورهای متعهد استقرار داشته باشد و دادگاه‌های کشور متعهد دیگر، زمانی مجاز به رسیدگی به دعاوی ثانوی است که متوقف در قلمرو این کشور دارای تأسیسات^۲ باشد و صرف داری کفایت نمی‌کند و اثر دعاوی مطروحه محدود به این اموال بوده و اثر آن صرفاً محلی است و بی‌مناسبت نیست که آنها را دعاوی داخلی^۳ نامید.

به طور کلی، مرکز منافع اصلی در مورد متخصصان (حرفه- ای) مکان اقامتگاه حرفه‌ای و برای اشخاص طبیعی کلاً مکان اقامت عادی آنها است.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که دعاوی اصلی با خصیصه جهانی، دعاوی اصلی است؛ زیرا دعاوی محلی (ثانوی) اقامه شده مشمول قواعد آمرة و همکاری و تبعیت از آن دعاوی بوده و جهانی است؛ زیرا صرف نظر از اینکه دعاوی محلی اقامه شده‌اند، همه داری متوقف در هر کجا که باشد، در بر می‌گیرد- لازم به ذکر است که دعاوی اصلی همیشه جهانی هستند و دارای آثار حقوقی ذیل می‌باشند:

الف) داری مستقر در خارج از کشور اقامه کننده مشمول این دعاوی می‌باشند.

ب) همه بستانکاران مشمول این هستند.

ج) دعاوی که در یک کشور عضو اقامه شده از طریق کل قلمرو کشورهای متعهد (یعنی اتحادیه) اثرگذار خواهد بود. شناسایی اثرات دعاوی در کشورهای متعهد دیگر اتوماتیک وار و خود به‌خودی صورت می‌گیرد و با اجرای قانون و بدون نیاز

4. exequatur

5. Winding-up by the court

6. Demestic Proceedings

7. Auxiliary Proceedings

1. Secondary Proceedings

2. Establishmens

3. Territorial

اگر متوقف در چند کشور چندین تأسیسات داشته باشد، به همان تعداد می‌تواند دعاوی ثانوی اقامه گردد. نکته مهم آن است که در این حالت، نیازی به طرح دعاوی ورشکستگی جدیدی نیست، بلکه این دعاوی اتوماتیک وار شناسایی شده و صرفاً لازم است که دعاوی ثانوی همان دعاوی مندرج در لیست ضمیمه (ب) باشد و علت این محدودیت این است که نوع دعاوی مشخص باشد و این اقدام باعث تنظیم جریان ورشکستگی خواهد بود.

۲-۳. دعاوی ورشکستگی داخلی مستقل

این نوع دعاوی برعکس حالت قبل است، یعنی قبل از اینکه دعاوی اصلی اقامه و رسیدگی شود، به میان می‌آید. علت این امر که در ماده ۳ (۴) مورد تأکید قرار گرفته، آن است که مصلحت طلبکاران محلی رعایت گردد و حقوق ایشان مورد حمایت قرار گیرد؛ زیرا این تصور وجود دارد که هرگاه متوقف در کشور متعاهدی اموالی داشته باشد و رضایت به انتقال آن به کشور متعاهد دیگری داده شود و نظام حقوقی کشور اخیرالذکر سیستم حمایتی ضعیف‌تری از طلبکاران داشته باشد مورد پذیرش و رضایت نظام حقوقی و طلبکاران کشور سابق الذکر نخواهد بود و لذا جهت حمایت از حقوق طلبکاران محلی و ضمن توجه کمتر به اصل جهان‌شمولی ماده ۳ (۴) اعمال می‌شود که موکول به شرایطی است:

۱- امکان طرح و اقامه دعاوی اصلی در کشوری که مرکز منافع اصلی متوقف در آنجا مستقر است، وجود نداشته باشد. مثلاً قانون کشوری تاجر بودن را شرط ورشکستگی می‌داند و شخص موصوف تاجر نباشد.

۲- طلبکار محلی یا طلبکار از تأسیسات محلی، داخل در معنا و مفهوم ماده ۳ (۴) (ب) باشد و نیز تقاضای اقامه و رسیدگی به دعاوی داخلی نماید و این طلبکار شخصی است که:

الف) در کشوری که تأسیسات مستقر است، سکونت عادی یا اقامتگاه یا دفتر ثبت شده داشته باشد.

ب) یا مطالباتش ناشی از فعالیت آن تأسیسات باشد. در نتیجه خارج از این دو حالت نمی‌تواند پیش از اقامه دعاوی اصلی به دعاوی داخلی رسیدگی نمود.

حقوقی کشورهای عضو مشکلاتی در عمل به وجود می‌آید. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ماده ۳ (۲) در خصوص رسیدگی به دعاوی داخلی، برای دادگاه‌های کشوری که متوقف در آن تأسیساتی ندارد، صلاحیتی قایل نیست. بنابراین دارایی مستقر در آن کشور نمی‌تواند مشمول دعاوی داخلی باشد، بلکه در صورتی که دعاوی اصلی اقامه شده باشند، به کشور اقامه کننده واگذار می‌گردد.

ماده ۳ (۴) (ب) کنوانسیون اشعار می‌دارد که اگر امکان اقامه دعاوی اصلی ممکن نباشد، احتمال طرح دعاوی داخلی وجود دارد، که توسط طلبکارانی که در آن کشور اقامتگاه، سکونت عادی یا دفتر ثبت داشته باشد، که در قلمرو آن کشور تأسیساتی (شعبه) داشته باشند یا دعاوی ناشی از اعمال تأسیسات مربوطه باشد، صورت پذیرد. این محدودیت به این علت است که باعث جلوگیری از سوء استفاده طلبکار می‌گردد که تمایلی با یکی از دادگاه‌ها دارد و بخواهد درصد اقدام علیه متوقف برآید.

در نتیجه مفهوم کلیدی در ارتباط با اقامه دعاوی ورشکستگی ثانوی (داخلی) وجود «تأسیسات» متعلق به متوقف است. ماده ۲ (ض) این اصطلاح را چنین توصیف می‌کند: «هر مکان عملیات که متوقف فعالیت اقتصادی دائمی را همراه با وسایل انسانی و کالا انجام می‌دهد».

در اینجا تعارض بین توصیف انفعالی اموال حتی اگر ارزش بالا و واقعی داشته باشد و توصیف فعال مفهوم تأسیسات مطرح می‌شود، باید توضیح داده شود که فعالیت اقتصادی یک ماهیت بی‌بقا است و همراه با ابزار انسانی و کالا باید اجرا شود. در نتیجه صرف مکان موقتی عملیات نمی‌تواند به عنوان سازمان تأسیسات تعریف گردد.

۱-۲-۳. دعاوی ورشکستگی داخلی ثانوی

فصل سوم کنوانسیون شامل مواد ۲۷ تا ۳۸ است که به بررسی موضوع اقامه و روش تصفیه دعاوی ورشکستگی ثانوی می‌پردازد. چنین دعاوی فقط مطابق ماده ۳ (۱) به تبع اقامه دعاوی اصلی می‌تواند اقامه شود که تنها در کشور متعاهدی خواهد بود که متوقف در آنجا تأسیساتی داشته باشد. به تعبیری بعد از اینکه طبق همان ماده، دعاوی اصلی اقامه شد و دادگاه صالح رسیدگی را آغاز نماید. در کشورهای متعاهد دیگر که متوقف در آنجا فعالیت‌هایی داشته که اصطلاح «Establishment» بر آن صدق کند، اگر دعاوی جدیدی مطرح شود، این دعاوی ثانوی هستند (فصل سوم کنوانسیون).

دادگاه صالح

است که کنوانسیون نتیجه نهایی و چگونگی حل و فصل نهایی را اعلام نمی‌کند، بلکه فقط دلالت بر حاکمیت قانون کشوری از کشورهای عضو دارد.^۴ در اینجا خاطر نشان شود که این کنوانسیون آثاری در درون اتحادیه دارد. به تعبیری اگر پرونده ورشکستگی در کشور غیرعضو اقامه گردد، کنوانسیون حاکم نبوده و خود دادگاه‌های داخلی براساس قوانین خودش تصمیم‌گیری خواهد کرد.

۱-۱. قاعده اصلی

ماده ۴ بر این اصل بنیادین تصریح دارد که قانون کشور متعاهدی که در آن دعاوی مطابق کنوانسیون اقامه شده، باید بر آن دعاوی اجرا شود و اثرات آن را مشخص نماید، البته بر این اصل استثنائاتی وارد است که در مواد ۵ الی ۱۵ اشاره شده است. اصل فوق ناشی از اصل مشهور *Lex Concursus* می‌باشد. در لیست نه چندان جامع مندرج در ماده ۴ (۲) موضوعات مهمی که می‌بایستی مشمول قانون حاکم باشد به صراحت تأکید شده است که عبارت‌اند از: مهم بودن یا نبودن اهلیت تجاری، دارایی و نوع آن و وضعیت آن قبل و بعد از توقف، اختیارات متوقف و مدیر تصفیه، احتمال تهاوت، تأثیر ورشکستگی بر قراردادهای متوقف و دعاوی طلبکاران، احتمال دعاوی علیه متوقف، تصفیه و چگونگی آن، خاتمه دعاوی ورشکستگی و قرارداد ارفاقی، هزینه تصفیه و احتمال ابطال قرارداد مضر به حقوق طلبکاران و ...

همان‌طور که بیان شد ماده ۳ کنوانسیون، یک مجموعه واحدی از قواعد صلاحیتی می‌باشد که چگونگی همکاری بین‌المللی را بین کشورهای عضو را طراحی می‌کند که پاسخگوی انتظارات اشخاص صرف نظر از اقامتگاه آنها در کشورهای متعاهد است که در این راستا این کنوانسیون یک مجموعه مرکبی از اصول بین‌المللی نظیر اصول جهان‌شمولی، سرزمینی^۱، وحدت^۲ یا تکثر^۳ و مقررات ورشکستگی است.

کنوانسیون درصدد است که تنها دو طبقه از دعاوی برای اهداف برنامه وسیع خود طراحی کند که دعاوی اصلی و دعاوی ثانوی است و قبلاً توضیحات مربوطه بیان شد که با اعمال معیارهای بندهای ماده ۳، دادگاه‌های صالح به دعاوی اصلی یا ثانوی مشخص می‌شود؛ یعنی هرگاه مرکز منافع اصلی متوقف وفق ماده ۳ (۱) که مبین دعاوی اصلی است ثابت شود، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعاوی اصلی مشخص گردیده و نیز با معلوم شدن دعاوی ثانوی چه از نوع تبعی یا مستقل برابر بندهای ۲ و ۳ و ۴ همان ماده دادگاه صالح به آن دعاوی تعیین خواهد شد. نکته مهم آن است که دادگاهی که وفق ماده ۳ (۱) به دعاوی اصلی رسیدگی می‌کند، صلاحیت جهانی یا فرامرزی دارد و به تعبیری در این کنوانسیون صلاحیتش از قلمرو آن کشوری که در آنجا رسیدگی می‌کند، به کل قلمرو اتحادیه اروپا سرایت می‌کند، ولیکن دادگاهی که به دعاوی ثانوی رسیدگی می‌کند، صلاحیتش محدود به قلمرو آن کشوری است که در آنجا استقرار دارد و اصطلاحاً صلاحیتش محلی است.

قانون حاکم

۱. قواعد حل تعارض

همان‌طور که اشاره شد، کنوانسیون حاوی قواعد متحدالشکل حل تعارض است، که جایگزین قوانین ملی حقوق بین‌المللی خصوصی است. وقتی این قواعد به میان می‌آید صحبت از قانون قابل اعمال است، که همان قانون ماهوی آن کشور است، نه قواعد حل تعارض آن کشور و این نکته بسیار مهمی است که بایستی به آن توجه نمود و تدوین‌کنندگان این کنوانسیون با توجه کامل این تقنین را انجام دادند تا از پیچیدگی دکتربین احاله اجتناب کنند.

مواد ۴ الی ۱۵ در بردارنده مجموعه قواعد حل تعارض واحدی است که حاکم بر دعاوی ورشکستگی است که در اتحادیه اروپا اقامه می‌شود. این قواعد حقوقی مسائل و دعاوی مطروحه در این قلمرو را سازماندهی نموده و قاعده‌سازی می‌نماید. با توجه به تنوع نظام‌های حقوقی کشورهای عضو اتحادیه، انتخاب قانون حاکم از طریق این قواعد حل تعارض، این نتیجه را دارد که تنها قانون یک کشور باید حاکم باشد تا از بروز اختلافات و نزاع‌های احتمالی جلوگیری کند. نکته مهم این

۴. اساساً قواعد حل تعارض نتیجه و حکم را بیان نمی‌کند. فقط قانون حاکم را شناسایی و انتخاب می‌کند. ر.ک. حقوق بین‌المللی خصوصی، تعارض قوانین، دکتر نجاد علی‌الماسی، ص ۵۶ به بعد.
۵. ر.ک. مواد ۱۶ و ۲۵ کنوانسیون.

1. Territoriality
2. Unity
3. Plurality

در اینجا کنوانسیون هیچ تعریفی از حق عینی ارائه نمی‌دهد و آن را به حقوق داخلی واگذار کرده است.

۲-۱-۲. استثنای دوم: رزرو حق مالکیت^۴

ماده ۷ نظیر ماده ۵ کنوانسیون، درصدد حمایت از تجارت از طریق درج رزرو حق مالکیت اموال از قلمرو ورشکستگی است. رزرو شرط حق مالکیت در قرارداد بیع وسیله‌ای است جهت حمایت از فروشنده‌ای که پول دریافت نکرده که در صورت ورشکستگی خریدار، حقوق او محفوظ بماند و دچار خسارت نگردد.

۳-۱-۲. استثنای دوم: قرارداد مرتبط با اموال غیرمنقول

با صدور حکم ورشکستگی و حاکمیت قانون مرتبط با آن، موضوع اثرات آن بر قراردادهای جاری مطرح می‌شود. این سؤال مطرح می‌شود که قراردادهای منعقدشده و تعهدات ضمن آن چه وضعیتی پیدا کرده و مدیر تصفیه چه حقوقی نسبت به این وضعیت دارد، به خصوص اگر موضوع آن اموال غیر منقول باشد. در این وضعیت تصمیم‌گیری با قانون کشور متعاهدی است که به این‌گونه دعاوی مرتبط با قراردادهای اموال غیرمنقول رسیدگی می‌کند که متوقف یک طرف آن است که این موضوع در ماده ۸ کنوانسیون ذکر شده است. علت وضع این ماده نیز همانند سایر مواد قبل بوده، که در جهت حمایت از حقوق اشخاص مرتبط با اموال غیرمنقول است و نیز ویژگی خود اموال غیرمنقول است که کشورها علاقه‌مند به اعمال یک سری قواعد خاص بر آن می‌باشند. در اینجا اشاره می‌شود که این قرارداد عام است و شامل عقد بیع اجاره و رهن می‌شود.

۴-۱-۲. استثنای چهارم حقوق موکول به ثبت

قوانین ملی کشورها درخصوص ثبت انواع حقوق یا منفعت بر مال غیر منقول رویه خاصی اتخاذ کرده و ثبت آنها را به نحو خاصی مقرر نموده‌اند. علت وضع چنین تشریفات، تأمین و حفظ حقوق اشخاص ثالث است، که منافع نسبت به این‌گونه اموال دارند. اصولاً اموال منقول مثل کشتی و هواپیما و نظیر آنکه منوط به ثبت عمومی می‌باشند. در جایی که این اموال در آنجا مستقر است یا نگهداری می‌شوند، ثبت می‌شود. چنین ثبت‌هایی نقش مهمی را در تأمین تجارت و شفافیت و در حفظ موازین سلامتی و ایمنی ایفا می‌کند. ماده ۱۱ مقرر می‌دارد

ماده چهارم کنوانسیون یک قاعده حل تعارض اساسی کنوانسیون را بیان می‌کند که حاکم بر هر دو دعوی اصلی و محلی (ثانوی یا داخلی مستقل) است و با استناد به ماده ۲۸، هرگونه شک و تردیدی از بین می‌رود. در قانون کشور رسیدگی کننده به دعاوی، همه آثار دعاوی ورشکستگی اعم از ماهوی و تشریفاتی نسبت به اشخاص و روابط حقوقی مطروحه مورد ملاحظه و صدور حکم قرار می‌گیرد و همچنین مسایل مربوط به شرایط اقامه، رسیدگی و خاتمه دعاوی و شخصی که مشمول دعاوی ورشکستگی است و اشخاصی که مطالباتی دارند و ماهیت و قلمرو ممنوع المداخله بودن متوقف و دارایی او سازماندهی تصفیه و وظایف مدیر تصفیه و اختیاراتش را توصیف می‌کند و غیره.

۲. مستثنیات قاعده کلی حل تعارض

اجرای قانون ورشکستگی ملی توسط دادگاه‌های کشور رسیدگی کننده به دعاوی و توسعه اتوماتیک آن به همه کشورهای متعاهد^۱ می‌تواند با قواعدی که به موجب آن معاملات در این کشورها منعقد می‌شود، تعارض پیدا کند. برای حمایت از انتظارات مشروع و لزوم قراردادهای در کشورها به غیر از کشوری که در آن دعاوی اقامه شده است، کنوانسیون چندین استثنای بر این قاعده کلی مقرر می‌دارد که از مواد ۵ الی ۱۵ به آن اشاره شد که آنها به دو دسته تقسیم بندی می‌شود:

۲-۱-۲. مستثنیات مرتبط با حقوق مالی و مالکیت فکری

۱-۱-۲. استثنای اول. حقوق عینی^۲

اولین استثنای مهم قاعده Lex Concursus که در ماده ۵ توصیف می‌شود و هدفش حمایت از حقوق طرفین قرارداد رهن است که مدیونی مالی را به نفع طلبکار در رهن او می‌گذارد و مرتبه حق عینی تبعی پیدا می‌کند که در صورت عدم پرداخت دین یا اجرای تعهد از سوی مدیون، بتواند از مال مرهونه حقوق خود را استیفا نماید و هیچ احتمالی حتی ورشکستگی مدیون، مانع از استیفاء حقوق او نگردد (نظیر ماده ۱۲۸ ق. آ. د. م. ایران) این موضوع مورد پذیرش سیستم‌های حقوقی قرار گرفته است.^۳

1. Renvoy
2. Third parties Rights in Rem
3. Fletcher, Ian, 1999, Insolvency in private International Law, Clarendon press. Oxford pp 215.

4. Reserve of Title= Rot

پرداخت و نیز بازارهای مالی است که در ماده ۹ اشاره شده بدین معنا که با توجه به تجویز این ماده قانون حاکم بر سیستم یا بازار فوق می‌تواند بر معاملات حاکمیت داشته باشد، نه اینکه این امر مشمول قاعده Lex Concurus مندرج در ماده ۴ گردد؛ زیرا طرفین قرارداد درباره نحوه پرداخت و وصولی آن و اینکه در چه بازاری این قرارداد صورت گیرد، توجهات ویژه ای دارند که جهت جلوگیری از هرگونه مشکلی این تدبیر اندیشیده شده است.

در ماده فوق بازار تعریف نشده است، ولیکن منظور بازار موجود در یکی از کشورهای متعاقد است که در آن اسناد مالی، امور مالی اقتصادی دیگر با بیع سلف و امتیازات معامله می‌شود. اشاره به ماده پنج دقیقاً به معنای تأکید مجدد بر حقوق عینی طلبکاران یا اشخاص ثالث نسبت به اموال متعلق به متوقف است که مطابق این کنوانسیون عمل می‌گردد.

۳-۲-۲. استثنای سوم: قراردادهای استخدام

دسته دیگر قراردادهای اجرایی که برای آن توجهات خاصی دیده شده، روابط استخدامی است. در واقع قواعد خاصی قبلاً به موجب کنوانسیون بروکسل و کنوانسیون روم جهت تنظیم مقررات مربوط به صلاحیت قضایی و انتخاب ابعاد حقوقی قراردادهای استخدام، تدوین شده است.^۶

ماده ۱۰ کنوانسیون ورشکستگی تصریح دارد بر اینکه تأثیرات دعاوی ورشکستگی بر قراردادها و روابط استخدامی به تنهایی مشمول حاکمیت قانون کشور متعاقد قابل اعمال بر قرارداد استخدامی می‌باشد. به هر حال اگر قانون کشور ثالث لحاظ شود، اثرات ورشکستگی توسط قاعده Lex Concurus با ارجاع مناسب به مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی آن سیستم تعیین می‌شود. همچنین بایستی تأکید کرد که ماده ۱۰ محدود به وضعیت اثر ورشکستگی بر قرارداد استخدامی است که اعم از این است که قرارداد استخدامی به واسطه ورشکستگی منفسخ شود یا اینکه مدیر تصفیه اختیار تنفیذ یا فسخ قرارداد را داشته باشد. بنابراین موارد دیگر نظیر دعاوی مستخدم یا کارمند راجع به حقوق یا پاداش پرداخت نشده و روش اقامه دعاوی را شامل نمی‌باشد که قاعداً ارجاع به ماده ۴ و Lex Concurus می‌گردد.

جایی که ثبت به موجب مرجع قانونی کشور متعاقد صورت می‌گیرد، قانون آن کشور حاکم است نه قاعده Lex Concurus.

۵-۱-۲. استثنای پنجم ثبت مشترک و علائم تجاری

استثنای پنجم مربوط به ثبت مشترک^۱ و علائم تجاری^۲ است، با این توضیح اتحادیه اروپا در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۵ کنوانسیون ثبت مشترک را تصویب کرد که در ۳۰ دسامبر ۱۹۸۹ اصلاح شد که مقررات ویژه‌ای را در خصوص ثبت‌های این چنینی مطرح می‌سازد.^۳ حال ممکن است دعاوی ورشکستگی مشمول کنوانسیون ورشکستگی از نوع ماده ۳ (۱) نبوده، لکن داخل در مفهوم ماده ۳ (۲) و (۴) باشد که قانونگذار کنوانسیون با درج ماده ۱۲، مقرر نموده‌اند که ثبت مشترک، علامت تجاری مشترک یا هر حق مشابه که به واسطه قوانین اتحادیه اروپا ثبت شده، زمانی که می‌تواند مشمول قلمرو کنوانسیون گردد که دعاوی وفق ماده ۳ (۱) اقامه گردند. یعنی این مقررات تنها زمانی که مرکز منافع اصلی متوقف در کشور متعاقد باشد و در آنجا اقامه دعاوی اصلی شود، اجرا می‌گردد.

۲-۲. سایر مستثنیات

۱-۲-۲. استثنای اول: تهاتر^۴

در ماده ۶ کنوانسیون آمده است که طلبکاران در مقابل متوقف می‌توانند ادعای تهاتر نمایند و حق تهاتر متأثر از اقامه دعوی نیست. لازم به ذکر است در برخی از قوانین کشورها^۵ استناد به تهاتر را ممنوع دانسته و آن را تجویز کرده‌اند، ولیکن این امر در کنوانسیون مجاز دانسته شده است. بنابراین طلبکاری که به موجب قانون ملی یا قاعده Lex Concurus نمی‌تواند به تهاتر استناد کند، به موجب ماده ۶ کنوانسیون این حق را دارد در مقابل بدهکار خودش که متوقف است، به تهاتر دو دین تا کمترین میزان آن دو استناد نماید.

۲-۲-۲. استثنای دوم: سیستم‌های پرداخت و بازارهای مالی

یکی دیگر از مسائلی که حائز اهمیت تجاری است، سیستم

۶ همان، ص ۲۸۸- ر. ک. ماده ۵ (۱۹) کنوانسیون صلاحیت و اجرای آراء در مسائل مدنی و تجاری، ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ و ماده ۶ کنوانسیون قانون قابل اجرا بر تعهدات قراردادی، ۱۹ ژوئن ۱۹۸۰. س.

1. Community Patents

2. Trade Marks

۳. رجوع به کنوانسیون گردد.

4. set-off

۵. از جمله ایران

علاوه بر استثنای فوق اقدامات زیان‌آور (ماده ۱۳)، حمایت از خریداران شخص ثالث (ماده ۱۴)، تأثیر بر دعاوی مطروحه (ماده ۱۵) از دیگر استثنایهای مهم بر اجرای کنوانسیون و به خصوص ماده ۴ است که جهت جلوگیری از اطاله کلام از توضیح آنها خودداری می‌شود.

شناسایی دعاوی ورشکستگی^۱

اصولاً هر کشوری بنا به اصل حاکمیت کشورها یا دولت‌ها، صرفاً آرای صادره از دادگاه‌های داخلی خود را به رسمیت می‌شناسد و از پذیرش آرای کشورهای خارجی خودداری می‌ورزند، ولیکن توسعه روابط دولت‌ها با یکدیگر و نیاز اتباع دولت‌ها اعم از شخص حقیقی یا حقوقی با یکدیگر، دولت‌ها را مجبور به پذیرش وضعیتی نموده که به آرای صادره از دادگاه‌های یکدیگر احترام گذاشته و آن را در قلمرو داخلی خود اجرا نمایند، که این امر به شناسایی منتج می‌گردد. در کنوانسیون از مواد ۱۶ تا ۲۶ اشاره به این موضوع شده که حاوی مقررات بسیار مهمی می‌باشد.

۱. اصل شناسایی

پاراگراف آغازین ماده ۱۶ (۱) یک اصل اساسی شناسایی را بیان می‌دارد که دعاوی ورشکستگی به موجب کنوانسیون اقامه شده است، که در ذیل می‌آید:

«رای به رسیدگی دعاوی ورشکستگی که توسط دادگاه کشور متعاقد صادر شده که متعاقب ماده ۳ صلاحیت دارد، در همه کشورهای متعاقد دیگر از لحظه‌ای که در کشور رسیدگی کننده دعاوی نافذ و معتبر شده، باید مورد شناسایی واقع شود.»

اصل شناسایی برای تمام دعاوی اقامه شده در کشور متعاقد که به موجب ماده ۳ مطرح است، نافذ می‌باشد؛ یعنی هم برای هر دو دعاوی اصلی و داخلی خواه ثانوی خواه مستقل. واضح است که در حالت دوم، شناسایی محدود به آثار دعاوی داخلی است و لازم نیست که رأی به رسیدگی دعاوی حکم نهایی باشد و موکول به تجدید نظر نیست، تا از شناسایی ذینفع شوند. این کنوانسیون براساس اصل اعتماد اتحادیه و نفع شناسایی بنا نهاده شده، تا مرزهای بین‌المللی مشکلی برای تصفیه مناسب دعاوی ورشکستگی بین‌المللی در میان اتحادیه اروپا به وجود نیاورد.

دعاوی ورشکستگی اصلی را می‌توان در هر کشور (مثلاً A) مطابق با قانون آن اقامه کرد، اگرچه در کشور متعاقد دیگر (B) دعاوی ورشکستگی را نتوان بر علیه متوقف به خاطر اهلیت آن اقامه کرد (مثلاً غیرتاجر باشد). کشور دوم (B) در چنین موردی موظف است تا حکم خارجی را شناسایی و در موقع مناسب اجرا کند، ولیکن کشور درخواست کننده (B) در قلمرو خودش برای مقابله با شناسایی آن نمی‌تواند به نظم عمومی استناد کند.^۲

از آنجا که دعاوی اصلی فقط در صورتی می‌تواند اقامه شود که مرکز اصلی منافع متوقف در کشور اقامه کننده باشد. منطقی به نظر می‌رسد که رأی به قانون آن کشور، به این معنا است که دعاوی ورشکستگی جمعی علیه متوقف باید توسط کشورهای متعاقد دیگر مورد قبول و احترام باشد که ارتباطشان با متوقف فقط به وجود دارایی یا مکانی در آن کشور محدود است.

به هر حال کشورهای دیگر (B) ملزم نمی‌باشند زمانی که شرایط مقرر در قانون ورشکستگی آنها که مطابق ماده ۲۸ قابل اجرا بوده، ولی کامل اجرا نشده به دعاوی ثانوی محلی علیه متوقف نیز رسیدگی کنند.

رابطه بین شناسایی دعاوی اصلی به موجب ماده ۳ (۱) و امکان اقامه دعاوی محلی به موجب ماده ۳ (۲) در ماده ۱۶ (۲) توضیح داده شده که شناسایی دعاوی اصلی مانع اقامه دعاوی داخلی ثانوی نمی‌شود. بنابراین رأی به پذیرش دعاوی ورشکستگی می‌تواند اثرات فرامرزی داشته باشد، حتی اگر رأی نهایی نباشد، به شرطی که اثرات آن توسط دادگاهی که آن را صادر کرده، معلق نشده باشد. به هر حال بایستی این نکته را به خاطر داشت که شناسایی به موجب ماده ۱۶ تنها برای دعاوی ورشکستگی درون قلمرو کنوانسیون توافق شده که صراحتاً در ضمایم آن لیست شده است.

نکته مهم دیگر اینکه اگر مدیر تصفیه قانونی مشمول انواع مأمورین رسمی در ضمیمه (ج) نباشد، شناسایی اتوماتیک چنین نصبی منع شده است.^۳

۱-۱. شناسایی دعاوی اصلی

با وضع ماده ۳ (۱) کنوانسیون، شاهد جامعیت دعاوی اصلی بر

۲. ماده ۲۶

۳. البته مدیر تصفیه می‌تواند به ماده ۳۸ استناد کرده و از مزایای آن بهره

برد.

راجع به ماهیت دعوی بایستی در همان دادگاه سابق صدور مورد بررسی قرار گیرد. در کشوری که شناسایی یا اجرا درخواست شده، صرفاً می‌تواند به بررسی این بپردازد که آیا حکم خارجی مغایرتی با نظم عمومی دارد یا خیر. ثانیاً این کنوانسیون شامل هیچ مقرره‌ای راجع به تطبیق صلاحیت قضایی بین‌المللی دادگاه کشور مبدأ ندارد و نمی‌تواند به بررسی صلاحیت قضایی دادگاه کشور مبدأ بپردازد که آیا صالح به رسیدگی بوده یا خیر؟ بلکه تنها مجاز هستند که آیا احکام از دادگاه کشور متعاقد که مطابق ماده ۳ کنوانسیون صالح بوده- اند، صادر شده است یا خیر؟ زیرا بررسی صلاحیت قضایی با خود دادگاهی است که وفق ماده ۳ صلاحیت دارد و هر کسی که معترض است، باید به دادگاه صادر کننده رجوع نماید.

نکته دیگر این که نظم عمومی ناشی از قانون ملی بوده و لازم نیست که این مفهوم دارای مفاد متحدالشکلی میان اعضای اتحادیه باشد و بدیهی است براساس اصول اساسی قانون کشور شناسایی کننده تبیین می‌گردد. به خصوص شامل آزادی و حقوق بنیادین و سیاست‌های اساسی کشور است.

بحث و نتیجه‌گیری

الف) همان‌طور که در ابتدای مقاله بیان گردید قانون تجارت و یا به طور کلی نظام حقوقی ایران در ارتباط با موضوعات مربوط به حقوق بین‌المللی خصوصی دچار کمبودهایی است که ناشی از نگرش سیستم حکومتی و حقوقدانان در آن دوره از تاریخ بوده و امروزه ضرورت سهولت ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پدیده جهانی‌سازی ایجاب می‌کند که از فرصت استفاده نموده و با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و بومی، از تحولات حقوقی در جهان بهره برد تا بتوان زمینه امنیت قانونی در گستره اقتصاد را فراهم نمود. با مطالعه و بررسی مواد ۹۷۱ قانون مدنی و ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و نیز لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۹۴^۱ و به خصوص باب یازدهم آن در بازسازی و ورشکستگی که مشتمل بر ۲۷۲ ماده است، معلوم و مشخص می‌گردد که قانونگذاران توجهی شایسته به تغییر و اصلاح بنیادین مقررات تجارتي و اقتصادی نداشته و ندارند و به نظر می‌رسد که عدم درک اهمیت روابط بین‌المللی حداقل در مقوله تجارت و داد و ستد علت اصلی می‌باشد. در هر حال،

تمام اموال متوقف و طلبکار بوده که مستلزم شناسایی دعوی و آثار آن در کشورهایی است که در آنجا اموال یا طلبکاران استقرار دارند. این کنوانسیون، این جامعیت را از طریق ایجاد یک سیستم شناسایی اتوماتیک اجباری در تمام کشورهای متعاقد تضمین می‌کند که با اجباری دانستن نتایج شناسایی در تمام کشورهای متعاقد دیگر مواجه با اصطلاح «شناسایی اتوماتیک» هستیم که به معنای شناسایی فوری به استناد کنوانسیون است که احتیاجی به ارجاع به دعوی اصلی جهت اعلام نافذ بودنشان نیست.

ماده ۱۷ یک مدل شناسایی براساس توسعه آثار حکم صادره یک کشور متعاقد برای کل قلمرو تحت پوشش کنوانسیون وضع می‌کند. قانون کشور اقامه‌کننده و تعیین‌کننده آثار آن است که باید بر تمام آثار دعوی در کشورهای متعاقد دیگر اعمال شود، اعم از ماهیتی، یا تشریفاتی حاکم باشد. از زمانی که تحت شمول قانون کشور رسیدگی کننده حکمی صادر می‌شود، احکام دعوی اقامه شده اثرات خود را با نیروی برابر در تمام کشورهای متعاقد ایجاد می‌کند. عدم مداخله متوقف، نصب مدیر تصفیه، منع اجرای انفرادی، شمول اموال متوقف در دارایی بدون توجه به کشوری که در آن قرار دارد، التزام به بازگرداندن هر چیزی که توسط طلبکاران بعد از اقامه شدن دعوی اخذ شده و ... همه اثراتی می‌باشند که توسط قانون کشور رسیدگی کننده تبیین می‌شود که همزمان در تمام کشورها قابل اجرا است.

۲-۱. شناسایی دعوی داخلی

دعوی داخلی فقط اموالی را که در کشور رسیدگی کننده مستقر است، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین شناسایی آن بر توسعه آثار آن دعوی بر دارایی‌های مستقر در کشورهای متعاقد دیگر دلالت نمی‌کند. شناسایی دعوی داخلی یعنی پذیرفتن صحت اقامه دعوی محلی و آثار آن است که نسبت به اموالی که در قلمرو کشور رسیدگی کننده استقرار دارد که در کشورهای متعاقد دیگر غیرقابل اعتراض است.

۲. نظم عمومی و دفاع و ایراد در مقابل شناسایی و اجرا (ماده ۲۶)

این کنوانسیون براساس اصل اعتماد بنا نهاده شده است. به این معنا که احکام خارجی صحت دارد و تنها به دلیل نظم عمومی می‌توان از شناسایی آن جلوگیری کرد. بنابراین اولاً حکم خارجی نمی‌تواند تحت بررسی ماهیتی قرار گیرد و تمام مسائل

۱. متأسفانه با استرداد لایحه از سوی وزارت بازرگانی، موضوع سالبه به انتفاء است.

گردیده است. این ماده اشعار می‌دارد که اگر معامله متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله باشد امکان فسخ وجود دارد. فسخ در زمانی که حکم ورشکستگی صادر نگردیده و وضعیت معمولی می‌باشد و اشخاص مقیم سرزمینی که با تکیه بر اصل اعتماد مشترک که قوام جامعه و بازار بر آن استوار و بنا نهاده شده، نظیر اصل تصرف مبادرت به انعقاد قرارداد با دیگران می‌نمایند که بعدها مشخص می‌گردد که این شخص ورشکسته شده و با صدور حکم ورشکستگی در آینده، امکان فسخ معامله در گذشته به وجود می‌آید که باعث بروز نگرانی و عدم اطمینان و برهم زدن پیش‌بینی و برنامه‌ریزی اشخاص شده که تالی فاسدی را به دنبال خواهد داشت. البته پاسخ هم داده شده که چنین شخصی اگر می‌بیند معامله‌ای ارزان‌تر از قیمت بازار تا میزان ربع است از ورود به معامله خودداری ورزد. ولی در بازار که همگان دنبال سود بیشتر هستند و نیز وجود ضرورت سرعت در داد و ستد مزید بر علت گردیده، چنین احتیاط نسبتاً سختی غالباً فراموش می‌گردد، اما در ماده ۷ کنوانسیون عکس حقوق ایران ابراز شده که حق چنین شخصی یا خریدار با حسن نیت که با متوقف قرارداد منعقد نموده متأثر از حکم ورشکستگی نمی‌باشد که بحث ROT یعنی رزرو حق مالکیت نتیجه آن است که جالب توجه بوده و نوع نگاه حقوق مدرن است. لازم به یادآوری می‌باشد که کنوانسیون عبارت حسن نیت را بلافاصله بعد از خریدار مال مقرر می‌دارد که در واقع قید ماده ۷ بوده و قلمرو آن را محدود می‌سازد.

از جمله مهم‌ترین نکته برجسته کنوانسیون که در قوانین ما دیده نمی‌شود، مقوله شناسایی است. از ملاحظه عبارات قوانین صد ساله اخیر و شیوه حکمرانی چند سده اخیر و بازایی فرهنگ حاکم فهمیده می‌شود که نسبت به خارجی‌ان و کشورهای ثالث عمدتاً اگر نگاه منفی نباشد، نگاه مثبت فعال نه منفعل نبوده و اجنبی خواندن آنها در گذشته و بی‌اعتمادی به آنها امروزه، نشان از تحلیل روانی طراحان قوانین ما دارد که مانع از ابراز حسن نیت و تلاش برای تعامل با دنیا و کمک به بهبود تجارت و جابه‌جایی کالا و مسافر. ارتقای امنیت و صلح و آرامش و رفاه می‌گردد. ضرورت ارتباط جهانی مستلزم احترام متقابل به حقوق دیگران است. امروزه پدیده حقوقی نظم عمومی و گستردگی و شدت مفهوم سابق را ندارد و حالت استثناء را پیدا نموده و به مثابه اهرمی ارزان قیمت در دست حکمرانان نمی‌باشد که اگر مصلحت یا منفعت خود را در خطر دید، جلوی آن را بگیرد که در این صورت، اصل اعتماد مشترک لطمه خواهد خورد و تجارت و ارتباطات چیزی نیست که با

کنوانسیون ورشکستگی ۱۹۹۵ فارغ از ارائه تعریف ورشکستگی و امتناع از ورود به آن، به تعریف صلاحیت دادگاه صالح پرداخته که معیار مرکز منافع اصلی (COMI) پیشنهاد نموده که در مقایسه با تعریف اقامتگاه در ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی و نیز ماده ۵۹۲ قانون تجارت مناسب‌تر به نظر می‌رسد و معیار سهل‌تری را در اختیار ذینفع اقامه دعوی و حتی خود محاکم قرار می‌دهد که بهتر و راحت‌تر صلاحیت خود را تشخیص داده و به صدور حکم اقدام ورزد. لازم به توضیح است که مفهوم «مرکز مهم امور»، ابهاماتی به میان آورده که در کتاب‌های اساتید حقوق تجارت اشاره شده که از ورود به آن خودداری کنیم و یا اینکه درخصوص شرکت‌ها و دیگر اشخاص حقوقی، معیار «دفتر ثبت شده» اعلام گردد. یعنی آدرسی که در اداره ثبت اعلام می‌شود، ملاک صلاحیت دادگاه قرار بگیرد. نظام حقوقی ایران راجع به امکان اقامه دعوی از سوی طلبکاران خارجی درباره طرح ورشکستگی تاجر ایرانی ممنوعیتی روا نداشته، ولیکن بهتر است علاوه بر ماده ۵ قانون مدنی صراحتاً به این موضوع اشاره گردد و جای هیچ‌گونه شک و تردیدی را باقی نگذارد.

در حقوق ایران موضوع تهاتر نیز به‌رغم آنکه اگر بعداً، توقف تاجر صورت بگیرد، مشمول بند ۲ ماده ۴۲۳ قانون تجارت است که باطل شده محسوب می‌شود و معنای آن این است شخصی که از تاجر طلبکار است، نمی‌تواند به تهاتر استناد کند و بایستی علاوه بر اینکه بدهی خود را به مدیر تصفیه بپردازد، برای گرفتن طلب خود داخل در غرماء شود. این با انصاف و وجدان منافات دارد و به نظر می‌رسد که ناعادلانه بوده چون وضعیت این چینی با شرایط غرماء که فقط طلبکار صرف هستند، تفاوت دارد و غیرقابل قیاس می‌باشد، اما در کنوانسیون به حق اعلام گردید که اقامه دعاوی ورشکستگی بر حق طلبکاران نسبت به ادعای تهاتر دعاوی و مطالبات آنها علیه دعاوی و مطالبات متوقف مؤثر نبوده که البته آن را در صورتی مجاز می‌داند که قانون حاکم بر دعاوی مخالفتی با آن ننماید. به نظر می‌رسد این وضعیت قانون تجارت ایران مشابهی در نظام حقوقی کشورهای اروپایی دارد و لذا حقوقدانان طراح کنوانسیون صدای اعتراض طلبکاران را شنیده و آن را موافق انصاف و عدالت دانسته که چنین پیشنهادی را مطرح نموده‌اند.

نکته دیگری که متأثر از نگاه سنتی و یک‌طرفه در جهت حمایت از حقوق طلبکاران بوده و توجهی به حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت نداشته، بیعی است که متوقف با ثالث نسبت به اموال خود انجام داده که در ماده ۴۲۴ قانون تجارت اشاره

مقر خود را دارد و همچنین در صورت وجود مدیران تصفیه متعدد، الزام به همکاری مقرر شده، حتی اشاره به تبادل اطلاعات شده که نکته بسیار مهم است و لازم به ذکر می‌باشد که در قانون نمونه آنسیترال راجع به ورشکستگی مشابه آن آمده که پیشنهاد سازمان ملل متحد به همه کشورهای دنیا از جمله ایران است که توسط اینجانب ترجمه شده است که گام بسیار بزرگی در سهولت امر تجارت بوده؛ زیرا تجار و شرکت‌های بزرگ اقتصادی فقط به سودآوری بسنده نمی‌کنند، بلکه به ضمانت اجرای قانونی در همه اوضاع و احوال مربوط به تجارت توجه می‌کنند که امروزه ضرورت امنیت سرمایه‌گذاری از این مقوله‌ها را عیان می‌سازد و بایستی به آن توجهی ویژه داشت.

ب) در این مقاله، مسائل ورشکستگی بین‌المللی از نقطه نظر اصول و روش‌های شکل گرفته در سطح کلی بررسی شد و از این طریق به تبیین دادگاه‌ها و مدیران تصفیه در سیستم‌های قانونی پرداخته شد. در برخی از کشورهای کامن‌لا نظیر انگلیس، آمریکا، کانادا و استرالیا که هر کدام دارای ویژگی و خصوصیات خاص خود است، ولی می‌توان نکات مشترکی را نیز بین آنها یافت که اصول کلی و اساسی هستند. این اصول تا حدی انعکاس میراث مشترکی است که این چهار نظام حقوقی از آن ناشی شده‌اند، اما توجه کنونی به آنها نشانگر افزایش شناخت آنها بین کشورهای است که کار آنها پرداختن به موضوعات ورشکستگی‌های وسیع است و روحیه توجه به مسائل بین‌المللی باید به عنوان بخش اصلی این روش به حساب آید.^۲ هر کدام از این سیستم‌ها به طریقی متفاوت به بررسی مشکلات مطرح شده مربوط به ورشکستگی در حوزه قضایی می‌پردازند و به دادگاه‌هایی که اختیار بسیار در همیاری و همکاری با همتای خارجی خود دارند، اعتماد می‌شوند و یا اختیاری که در همکاری با نمایندگان خارجی که به رسیدگی بدهی‌های مطرح شده در خارج می‌پردازند، اعتماد خواهد شد.

یکی از ویژگی‌های مهم مفاد قانونی که دادگاه‌ها را قادر به همکاری بین‌المللی و همیاری می‌سازد این است که آنها از عنصر مهم صلاحیت و قابلیت انتخاب پاسخ استفاده می‌کنند و این یک اصل ضروری است تا به هر کدام از پرونده‌ها به نحو شایسته و مناسب آن رسیدگی شود؛ زیرا هر کدام از پرونده‌ها

وعده و وعید و تبلیغات و دانه ریختن برای سرمایه‌داران ایجاد شود. زمان و صداقت و وفای به عهد و احترام به اصول مشترک و پافشاری و پایمردی بر آن و امنیت لازمه این کار است و بنابراین یکی از راهکارهای توسعه ارتباطات و به خصوص تجارت پذیرش احترام و اجرای آرای صادره از محاکم صالح هر یک از طرفین امضاکننده توافقنامه یا عهدنامه دو یا چند جانبه است. احترام به آرای صادره از کشورهای دیگر نیاز به اجرای آن را می‌طلبد که مستلزم این است که آن حکم مورد بررسی مجدد از حیث ماهوی و حتی تشریفاتی قرار نگیرد الا در موارد استثناء از جمله نظم عمومی که آن هم به طور استثنایی این هدف در اصطلاح شناسایی مستتر بوده که متأسفانه در سوابق قانونی و قانون تجارت فعلی و حتی لایحه اصلاحی نیز دیده نشده است. حقوقدانان حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی در کلاس‌ها و در کتاب‌های حقوقی صراحتاً اصطلاح شناسایی را بیان و تأکید بر ضرورت آن نموده، ولیکن محاکم دادگستری به دلیل فقدان قانون از استناد به آن خودداری می‌ورزند. کنوانسیون تأکید بر اجباری بودن شناسایی رأی صادره از دادگاهی در کشورهای دیگر می‌کند که اصطلاح شناسایی اتوماتیک رواج یافته و نکته بسیار مهم می‌باشد که هم تأکید بر احترام متقابل محاکم و هم بر سرعت در اجرا و حمایت از تجارت می‌باشد. بی‌گمان مرحله به مرحله بایستی به نظریه بین‌المللی و دیدگاه مبتنی بر آن اندیشید و به آن نزدیک شد، البته نه به محوریت و مرکزیت خود.^۱

بحث بعدی مرتبط با اجرای احکام و به دنبال شناسایی است که مدیران منصوبی از سوی محاکم خارجی قادر به ایفای نقش خود در مدیریت تصفیه و اعمال اختیارات خود هستند یا خیر. آیا امکان همکاری این مدیران تصفیه با مدیران منصوبی احتمالی در داخل کشور وجود دارد؟ آیا تبادل اطلاعات و انتقال اموال امکان پذیر است؟ و ... که در قانون تجارت و یا قانون اجرای احکام ایران پیش‌بینی نشده و حتی قانونگذار ما به آن فکر نکرده، ولی در کنوانسیون به طور مبسوط اشاره گردید که اولاً مدیران منصوبی از سوی محکمه‌ای، حق فعالیت و اعمال اختیارات در کشورهای دیگر که حکم ورشکستگی موصوف را الزاماً شناسایی می‌نمایند را دارد و حتی تحت شرایطی امکان انتقال و جابه‌جایی دارایی متوقف یا باقیمانده از آن را به کشور

۲. در عصر جهانی‌سازی بهنگام مواجه با چالش‌ها و مشکلات، نایبستی از یک فلسفه یک سوپه و انزوآگرایه (تنگ‌نظرانه) استفاده شود.

۱. امروزه ضرورت اصلاح قانون اجرای احکام مدنی و یا قانون تجارت دیده می‌شود و قانونگذار ما باید گام مهم و عملی در این جهت بردارد.

تا زمانی که یک سیستم قانونی منحصر به فرد طراحی شده قادر نباشد که از مرزهای داخلی به آن سوی مرزها جاری شود، گونه‌ای از همکاری و مشارکت بین‌المللی در نهایت ضروری است برای این مهم که قواعد و قوانین فراملی جریان یابد. یکی از مقاصد حقوق بین‌المللی خصوصی کوشیدن برای ساختن و رسیدن به راه‌حل‌های منضبطی است از میان اختلافات و هرج و مرج‌هایی که نتیجه قوانین مختلف محلی، بومی و عرفی هستند و همچنین تعیین خط‌مشی‌هایی که به طور ویژه در موقعیت‌ها و به واسطه به طور بالقوه قابل اجرا باشند.

در بین کشورهایی که در ظاهر قواعد مشترک عدیده‌ای مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خصوص ورشکستگی دارند، اثر بسیار عمیقی بر روی مواد، قواعد و اوضاع حساسی در سطح کشورها می‌گذارد. از جمله بر روی مباحثی چون دارایی، امنیت، حق وثیقه، امتیازات، احوال شخصیه و مدیریت تجاری و اقتصادی و وضعیت سیستم اعتباری تأثیر بسزایی داشته است. این تأثیر تاکنون به صورت یک سد محکم در برابر نتیجه ارزنده و مؤثر کنوانسیون مجمع ورشکستگی اروپاییان بوده است. در نتیجه با توجه به وجود مشکلات عدیده در توافق بر سر رسیدن به یک موافقت‌نامه بین‌المللی و یا حتی یک موافقت‌نامه در سطح منطقه‌ای بی‌درنگ مشکلات و موانع بزرگ‌تری بر سر ایجاد یک چهارچوب مستحکم از قواعد برای ایجاد در زمینه جهانی خواهد بود.

برای داشتن دیدی واقع‌بینانه‌تر باید گفت که اخیراً یک راهبرد و تدبیر اصولی وضع شده است به نام قانون نمونه UNCITRAL در مورد ورشکستگی که اشاره می‌گردد. این ابتکار و پیش‌قدمی الهامات فعالانه‌ای را از اولین دسته تجربیات و مشکلات مرزهای طبقاتی ورشکستگی گرفت؛ بدین معنی که دست‌اندرکاران بررسی امور ورشکستگی و قضات از رشته‌های مختلف و همچنین عقاید و سنن ملی و عرف‌های سراسر جهان تأثیر بسزایی در الهام‌گیری نتایج بدی داشته‌اند.

با نویسندگان قانون نمونه این واقعیت را پذیرفته‌اند که در آغاز راه تنها تعداد اندکی از کشورها خطر پذیرفتن کلیه مفاهیم را قبول کردند و تمامی شرایط آن را در قانونگذاری محلی خود

شرایط خاص خود را داراست، در حالی که به کلیه اصول استاندارد و پذیرفته شده سیستمی که از آن یاری گرفته شده نیز احترام گذاشته می‌شود.

هنگامی که چنین مفاد قدرتمندی در قانونگذاری ملی با روحیه مثبت فعال‌گرایی قضایی همراه شود، می‌توان در مواجهه با ورشکستگی‌های غیرقابل اجتناب با ابعاد بین‌المللی به نتایج بسیار مهم‌تری دست یافت. از بین بحث‌های بلندنظرانه که در مورد موافقت‌نامه‌ها جهت همکاری بین‌المللی صورت می‌گیرد، باید این نکته را به خاطر داشت که این بحث‌ها در صلاحیت هر کدام از کشورهای مستقل است تا قوانین ملی خود را دوباره بازبایی کنند تا شرایط لازم پدید آید که طبق آن همکاری بررسی شده و محتاطانه صورت گیرد.

باید به این نکته توجه داشت که این گوناگونی و تنوع کاربرد قوانین کشورهای مختلف در کنار یکدیگر می‌تواند گمراه‌کننده و ابهام‌آمیز باشد، اما از نقطه نظر قانون بریتانیای کبیر، دوره نسبتاً کوتاه همکاری طبق بخش ۴۲۶ از قانون ۱۹۹۶ که مربوط به ورشکستگی‌ها بوده در مقایسه با سیاست روشن بینانه مفاد بخش ۳۲۴ از قانون ورشکستگی آمریکا و نیز نسبت به قوانین کانادایی و استرالیایی دارای اهمیت است. آنچه مهم است آن است که دادگاه‌ها در رسیدگی به پرونده‌های فرامرزی، بدون آنکه تبعیضی بین بستانکاران خارجی و داخلی قائل شوند، خود را متعهد به یک شیوه بین‌المللی‌گرایانه نشان داده‌اند که خوشبختانه مطابق با بهترین عمل بوده که امروزه شیوه‌ای برتر است.

بنابراین جهت دستیابی به یک عهدنامه چندجانبه باید: ۱- به واقعیت‌های کنونی و به خصوص اختلاف در نوع نگاه‌های ملی که قانونگذاران داخلی به قضایای مشابه دارند، توجه نمود و ۲- نیز به نوع روش مطالعه و رسیدگی که می‌دارند و از آرمان‌گرایی مطلق و فلسفه‌پردازی دست برداشت که به نظر می‌رسد با مطالعه دقیق پرونده‌های حاضر و تجزیه و تحلیل مشکلات به‌وجود آمده و شناسایی اصول مشترک بین نظام‌های حقوقی و نیز نیازهای مشترک بین جوامع مختلف بشری، می‌توان به سند قوی با چشم‌اندازی روشن دست یافت، البته با توجه به همت بلند و با نگاهی مثبت توأم با فعالیت و با هدف هماهنگی و همکاری در زمینه روابط بین‌الملل این امکان‌پذیر است.^۱

کرد که در سال ۱۹۲۳ بین پنج کشور منعقد گردید. Nordic Banruptsyconvention. جهت متن آ. م. ک. به ضمیمه آن کتاب.

۱. از جمله اسناد فوق می‌توان به کنوانسیون ورشکستگی نوردیک اشاره

قانون نمونه نشانه یک جایگزین کامل کنوانسیون EU نیست. در واقع دو سند مهمی که پیشنهاد شده برای اهداف کمک و سازگاری می‌باشند؛ زیرا برطرف ساختن نیازهای قانونی تمام کشورهای عضو اتحادیه به هیچ‌وجه قابل اجرا نمی‌باشد و پیش بردن یک شرایط قانونی برای تسهیل و تطابق قانون داخلی با دنیای خارج از مرزهای اتحادیه کاری بس دشوار می‌نماید. اگرچه در نهایت هیچ کدام به دیگری وابسته نمی‌باشد، همانا ممکن است که کنوانسیون EU و قانون نمونه UNCITRAL به عنوان یک پیش‌نویس به عنوان یک مدل (دنباله رو) و (پیرو هم) به دنبال همدیگر قرار گیرند که با این عنوان بتواند استحقاق بیشتری برای کمک به انتشار تأثیر اتحادیه اروپا به عنوان یک نگاه گسترده درونی و وصلت بین دولتی^۳ داشته باشند.

قانون ورشکستگی بین‌المللی در آستانه ورود به مرحله نوین در صحنه بین‌المللی است. تجارب اخیر نشان می‌دهد که محدودیت‌های روش‌های ملی و ملاحظات و ادراک کهنه و قدیمی کشورها که در روابط داخلی و خارجی در ارتباط با منافع خود قائل می‌شدند و همچنین قائل بودن به تفکیک قواعد محلی و بومی از تشریفات حقوقی و خارجی از جمله مشکلات موجود است. برقراری یک ارتباط بین سیستم‌های ملی و پرورش آن و ترکیب آن با قواعد مناسب که قادر به همکاری و هماهنگی باشد برای پاسخگویی به عناصر ویژه و خاص هر پرونده که این امر نیازمند یک بینش جدید دارد و یک نوعی از تفکر ویژه و جدیدی را می‌طلبد.

با دادن (عنوان بین‌المللی) به روح تفکر و اندیشه‌ای که متمایل به این حوزه هست، می‌توان جهت‌گیری کلی موضوع را روشن ساخت که بایستی هم عناصر موجود در صحنه بین-الملل را شناسایی و بررسی کرد و نیز همان‌طور که قبلاً اشاره گردید نوع نگاه قانونگذاران داخلی نسبت به پدیده حقوقی و به خصوص بحث ارتباط آن با نظم عمومی آن کشور و نظام حقوقی، توجه خاص و نقاط قوت و ضعف آن را شناخت و در ایران نیز باید چنین کارها صورت گیرد و این امر میسر می‌باشد. به خصوص دو سند بین‌المللی که ماحصل تجربه بشری بیش از سی سال می‌باشد، در دسترس بوده و به عنوان نمونه و الگو می‌تواند پیش روی ما باشد و اخیراً بحث تأسیس پارلمان و

ایفا خواهند کرد. مسئله‌ای که حائز اهمیت است این است که به هر حال این نمونه آغازین باید با توده حساسیت کشورهای مهم تجاری هماهنگ شود. (زیرا که این کشورها کار رهبری اخلاقی و تنظیم استانداردهای عمومی مرزهای طبقاتی موضوع ورشکستگی‌ها را برعهده دارند). در پایان به این مطلب اشاره و در اینجا هم پیشنهاد می‌شود که قانون نمونه UNCITRAL هم اکنون بهترین راه حل مکمل شرایط قانونی دایره گسترده کشورهای جهان را عرضه می‌دارد که این امکان را خواهند داشت که با سرعت بیشتری قواعد را اجرا و اوضاع را اداره بکنند. به بهترین شیوه این کار را انجام داده و این ابتکار جهانی بتواند به خوبی ارزش بالای ورشکستگی‌های چند صلاحیتی^۱ را کاملاً منتشر کند، به طوری که در طی دهه گذشته اتفاق افتاد.

این امر بسیار امیدوارکننده‌تر است که کشور ایران اقدامات فعالانه و مؤثری را برای تضمین و تأمین این اصول و قواعد بردارد که بتواند جزء اولین کشورهایی باشد که اصول و قواعدش در قانونگذاری ملی و داخلی آن کشور بر بنای قانون نمونه UNCITRAL دلالت داشته باشد.^۲

همان‌طور که بیشتر اتفاق افتاد با توجه به شورای EU این عمل می‌تواند در مواردی باشد که آشنایی با مراحل توسعه به دنبال تأسیس یک کمیته برای بررسی کردن قضیه برای تصویب مدل قانون نمونه به کار رود. این کمیته ممکن است که متعهد شود که این مصوبات، وظیفه نظارت و مرور قانون و رویه موجود را برعهده بگیرد و درباره ورشکستگی بین‌المللی به نوعی اجماع دست یابد.

در هر دگرگونی و نوآوری نکات ضروری وجود دارد که تغییرات قانون تجارت ایران، کاملاً با گرایش‌های مشارکت بین-المللی سازگار باشد. همچنین باید تأکید بسیار بر روی این مسئله باشد که

1. multi-jurisdiction

۲. در اوایل کار تدریس و پژوهش از سال ۱۳۸۰، من همیشه منتقد نویسندگان قانون تجارت ۱۳۱۱ بوده‌ام که چرا صرفاً که ناپلئون را اقتباس و یا در سال ۱۳۱۸ قانون تصفیه کشور سوییس را ترجمه کرده‌اند و مبادرت به اتخاذ روش دیگری ننموده‌اند، اما امروزه وقتی می‌بینیم در سال‌های اخیر هیچ اراده‌ای جهت اصلاح و تغییر قانون کهنه و در عین حال راهگشا-قانون تجارت- بر نمی‌دارند، درود می‌فرستم به روح بلند پیشینیان که در آن شرایط سخت اجتماعی آن روزگار، همتی کرده‌اند و با تصویب قانون تجارت، دانایی و خردپیشگی را به اوج رساندند که بعد از هشتاد سال، مدیون آنها هستیم. کاری که الان با تصویب یک‌باره قانون نمونه آنستیرال و یا کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌توان تحولی شگرف ایجاد نماییم.

۳. لازم به ذکر است که قانون نمونه مصوب ۱۹۹۷ از کنوانسیون اتحادیه اروپا پیشنهادی ۱۹۹۵ تأثیرپذیر بوده است و از نقطه نظر تاریخی نزدیک به هم هستند.

تهران: انتشارات بابک.
 صفری، محمدعلی (۱۳۷۴). *حقوق بازرگانی - نظری و عملی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
 قائم مقام فراهانی، محمدحسین (۱۳۷۵). *حقوق تجارت - ورشکسته و تصفیه*. تهران: نشر دادگستری.
 کاتبرگ، مایک (۱۳۷۰). *حقوق اتحادیه اروپا*. ترجمه دکتر اخلاقی و غیره. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش.
 مارک سورل، ژان (۱۳۷۷). «سرانجام قواعد بین‌المللی در حقوق داخلی در چهارچوب اروپا». *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۳-۲۴، ترجمه دکتر اردشیر ارجمند.
 کتاب اروپا، ویژه اتحادیه اروپا (۱۳۸۲). تهران: نشر انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
 Cooper morn; Cathleen (2000). *Bankruptcy basic*. www.iiiglobal.org.
 Colasanti, Mr. Fabio-Director (nodate). *General European Commission- Restructuring, Bankruptcy and a fresh start: views and policy from the European Commission*, www.Msn.com.
 Drain, Diane (nodate). *Attorney and counselor law*. Here are steps for filling a bankruptcy, www.iiiglobal.org.
 Deranitz, S.H. (2002). *The European union approach to cross border insolvencies- The European insolvency regulation*. www.iiiglobal.org.
 Dube, James (April 2005). *Director's duties to creditors*. www.iiiglobal.org.
 Feletcher, Ian (1999). *insolvency in private international law*. Oxford: clarendon press.
 Farrar, John (1979). *Essential business law-company insolvency*. London: sweet & Maxwell.
 Hart, Oliver (1991). *Different approaches to bankruptcy, the annual world bank conference on development economics*. Paris.
 Haravon, Michael (1346/2000). *Recent development in france Under Eu regulation*. London: sweet & Maxwell limited 2005.

اتحادیه آسیایی مطرح شده که گام مثبت و مهمی است در همگرایی کشورهای آسیایی و اینکه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و غرب آسیا و نیز جهان اسلام می‌تواند نقش بسیار مهمی را ایفا کند که البته مستلزم این است که در درون خود چنین تحولاتی را عملی سازد و به زبان روز دنیا آشنا باشد. در نتیجه در راستای سیاست اعلام شده دولت جمهوری اسلامی ایران که خواهان روابط با همه قطب‌های مهم اقتصادی و سیاسی دنیا است و از سویی ضرورت اقتصادی کشور، تأمین سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی را اقتضا می‌کند که شرط لازم آن، استقرار امنیت است که یکی از ابعاد امنیت، بعد قانونی و اجرای آن است. برای برقراری امنیت قانونی، باید از پرتوافشانی نگاه تک‌بعدی و متأثر از فضای گذشته و اجنبی دانستن اشخاص غیر ایرانی دست برداشت و ضمن تغییر فکر و روش اندیشیدن و شنیدن و مطالعه تجربیات دیگران، در تحولات جدید شرکت بسته و در زمینه حقوقی، جهانی تفکر کنیم و قوانین خود را متناسب با نیازهای داخلی و اوضاع و احوال جهانی و پیشرفت‌های بسیار سریع تکنولوژی، تغییر داده و نوآوری داشته و می‌توان از تجربیات بشری بهره فراوان برد که از جمله آن کنوانسیون ورشکستگی اروپا و قانون نمونه در زمینه ورشکستگی می‌باشد. امید که از این نمونه الگوهای بین-الدولی است، بهره فراوان برد.

در پایان به جمله‌ای اشاره می‌شود که بسیار زیباست و جا دارد در سر در ورودی مجالس قانونگذاری و دانشکده حقوق کنار شعر معروف شیخ اجل سعدی نوشته و نصب گردد:

Laws change from time to time in order to keep up with changes in a society's values and with developments in technology, but it is important that at any given moment these rules are both definite and known to the public.

منابع

اسکینی، ربیعا (۱۳۷۵). *و حقوق تجارت - ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته*. تهران: سمت.
 اشمیتوف، کلاویام (۱۳۷۸). *حقوق تجارت بین‌الملل*. دو جلدی. ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و غیره. تهران: سمت.
 آقایی، بهمن (۱۳۸۲). *فرهنگ حقوقی بهمن*. تهران: گنج دانش.
 الماسی، نجادعلی (۱۳۷۶). *تعارض قوانین*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 انوری‌پور، سید محسن (بی‌تا). *ورشکستگی در حقوق ایران*.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Hyde, Mark & Cohen, Adrian (nodate). *The EU insolvency regulation*, [www.document and setting/azad/Desltop/the EU insolvency regulation](http://www.documentandsetting/azad/Desltop/the%20EU%20insolvency%20regulation).
- Kristiansen, Poul Gerhard (July/Aguste 2001). *bankruptcy of the EU*. General Secretary the people's movement the EU Denmark, www.msn.com.
- Minnesota, St. paul (1984). *Bankruptcy code and rules*. west publishing company. www.msn.com.
- Mracek, Jan (nodate). *Refrom of Bankruptcy and commercial registry*. ECF legal analyst, www.msn.com.
- Mitlos (nodate). *Psyllakislattrousotiris, insolvency in transnational cases*. www.iiiglobal.org.
- Omar, Paul J. of Gray's Ian (May 2000). *Barrister advocate solicitor*. High court of Malaya. international insolvency cooperation the UNCITRAL model law. www.iiiglobal.org.
- Overy, Allen (June 2002). *European regulation on insolvency proceedings*. www.iiiglobal.org.
- Patrickkrik & Graham (12/29/2005). *Lockhart Nicholson LLP. bankruptcy, insolvency, Business, Reorganization& Restructuring*, , www.msn.com.
- Rogers, Link (April 2005). *insolvency and asset based lending-where theory meets practice*. www.msn.com.
- Vangalen, Robert (2003). *The European insolvency regulation and groups of companies*. insol Europe annual congress, Cork. www.msn.com.
- Virgos, Miguel & Garcimartin, Francisco (2004). *The European insolvency regulation law and practice*. London: Kluwer law international.
- Virgos, Miguel & Schmit, Etinne (3 May 1996). *Report on the convention on insolvency proceeding*. Brussels. European Union the council, www.aei.pitt.edu -920-01-insolvencyreport- schmit- 1998. Pdf.
- Weisz, Steven (April 2005). *Soverign protection of domestic clains in international insolvencies*. www.msn.com.
- Wessles, Bob (nodate). *principles of European insolvency law 1445 wds*. www.iiiglobal.org.
- Wessles, Bob (nodate). *Moving house-wich can open insolvency proceedings*. www.iiiglobal.org.
- Wessles, Bob (nodate). *Realisation of the EU insolvency Regulation in Germany, France and the Netherlands*. www.iiiglobal.org.
- Bankruptcy (nodate). www.ohioabar.org/pub/law/index.asp?articleid=31.
- Bankruptcy (nodate). *basic in U.S.* [WWW.D:/documents 20% and 20% stting /6615544/ mg 20% documents/chapter](http://WWW.D:/documents%20and%20stting%20/6615544/mg%20documents/chapter).
- Bankruptcy and fresh start: Stigma on failure and legal consequences of bankruptcy.
- Principles and guildelines for effective insolvency and creditor rights system: Assessment test in EU member states and U.S., www.worldbank.org/gild.
- Explanatory memorandum to the European communities, Designation – NO2 order. 2005. cabinet office European secret ariant.
- EU insolvency regulation, www.europeannrestructuring.com/05intro/008-013htm.
- European council regulation of 29 may 2000 on insolvency proceeding. Jun 9-11 2003, International insolvency institute, Jun 9-11 2003. www.iiiglobal.org.
- Guidelines applicable to court-to-court communications in cross-border cases (principles of cooperation among the NAFTA countries). The American law institute at Washington D.C., May

2000.
 The nature of the rescue culture under
 English Law prior to 1986,
www.iiiglobal.org.
 The cross – border insolvency- promoting
 international cooperation and
 coordination, 2002, common wealth of
 Australia www.Treasury.gov.au /

documents/44&/PDF/clerp&.PDF.
www.dadalos-Europ.org
www.uncitral.com
www.MSN.com
www.unidroit.com
www.iiiglobal.org
www.un.or.at/UNCITRAL

